

تفکر با حقیقت انقلاب اسلامی

باسمه تعالی

« وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ » (نحل/44)¹

« قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ * وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ »

« وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ ذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِكُلِّ

صَبَّارٍ شَكُورٍ » (ابراهیم/5) ایام الهی که خداوند در رابطه با آن می‌فرماید: «كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» (الرحمن/29)

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: « إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا » (بحار الأنوار، ج 68، ص: 221)

- 1- جدی‌ترین تفکر در این زمانه آن است که ما هنوز تفکر نمی‌کنیم.
- 2- علم و فلسفه به خودی خود تفکر نیست، زیرا باید علم و تفکر محل ظهور ندایی باشد از باطن عالم.
- 3- تفکر، تذکر است بر امری که بر ما تقدیر شده، یعنی یادآوری بنیاد.
- 4- ما در بسیاری موارد آن‌چه را که تفکر نیست، تفکر گرفته‌ایم.
- 5- تفکر راهی است به سوی حقیقت بدون آن که گمان کنیم حقیقت در دست ما قرار گرفته.
- 6- مقصد، رسیدن به حقیقت است ولی راه آن کدام است؟
- 7- تفکر از جایی آغاز می‌شود که چیزی خود از جانب خود، ما را به تفکر فرا خواند.
- 8- تفکر از جایی آغاز می‌شود که امری اندیشیدنی ما را به تفکر درباره‌ی خود فرا خواند.
- 9- تفکر، تذکر است ولی نه به معنای احضار امر رفته. تفکر، تذکر امر اساسی جان انسان‌ها است. یعنی تذکر همان یادآوری بنیاد انسان‌ها است که در هر تاریخی با آن روبه‌رو می‌شوند که آن‌ها را در بر گرفته.
- 10- تفکر، راهی است به سوی اندیشیدنی‌ترین امر در هر تاریخ، در حالی که پا به‌گریز دارد.
- 11- تفکر از جایی آغاز می‌شود که امر اندیشیدنی و قابل تفکر، ما را به تفکر درباره‌ی خود فرا خواند. یعنی تفکر نوعی فراخوان است.

¹ - قرآن در رابطه با نسبت حضور تاریخی و تعقل و تفکر می‌فرماید: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَمْ فَلَا تَعْقِلُونَ» (یوسف/109) و «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَ لَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ» (حج/46)

12- باید تفکر را بیاموزیم و آن با تذکر به آنچه در جان ما وارد شده، پیش می آید، وقتی رسولی آن را تبیین کند تا از آن خودمان شود.

13- چیست امر اندیشیدنی ترین در این تاریخ که تا به آن نیندیشیم، هنوز اندیشه نمی کنیم.

14- در فهم انقلاب اسلامی چه چیزی نااندیشیده مانده است که ما هنوز نتوانسته ایم به اهداف انقلاب اسلامی که در آغاز مد نظر بوده است، دست یابیم؟ جز این است که انقلاب اسلامی حقیقی ترین اندیشه در این تاریخ را در افق جان ما قرار داد تا ما انسانی شویم که این اندیشه برای او آرامش بخش باشد؟ هر چند ممکن است در برهه ای از یک دوران تاریخی، افق زمان پوشیده و «وقت» گم شود و البته آن جا همگی از «وقت» برخوردار نیستند.

15- ما با درک بی واسطه خود می توانیم با حقیقت انقلاب اسلامی مرتبط باشیم، در آن صورت زبان ما، زبان انقلاب اسلامی خواهد بود. زبانی ماوراء زبان روزمرگی. مثل آن که شعر، شاعران را در بر می گیرد و شاعر با سرودن شعر شاعر می شود. شاعر و متفکر به یافت های می رسند که در قصدشان نمی گنجد و آن یافت، بزرگ تر از تصور شاعر و متفکر است زیرا آن ها سخن تاریخ خود را می گویند.

16- تفکر، امری است تاریخی یعنی یک دوران تاریخی را بنیاد می نهد و آن را «راه» می برد و نگهداری و نگهداری می کند به قسمی که این تاریخ در سایه ای آن تفکر دوام و بسط می یابد و با آن زندگی می کند و دوام می آورد. این تاریخ، امری جدا از ما نیست، از درون، ما را فرا گرفته به همان معنای «ما نزل الیهم».

17- اندیشه انگیز آنی است که برای اندیشیدن به ما داده می شود که در این تاریخ ذیل اسلام، انقلاب اسلامی است. در این زمان چیزی وجود دارد که خود از پیش خود برای اندیشیدن به ما داده می شود. خداوند ما را بدان فرا می خواند تا به آن بیندیشیم و تفکر کنان به آن فکر کنیم، مثل آن که در آیات قرآن باید تدبّر کنیم. گمان می رود ما انسان ها هنوز به آن چه مشتاق اندیشیده شدن است یعنی انقلاب اسلامی، آن طور که لازم است رو نیآورده ایم.

18- فهم انقلاب اسلامی، چون هر فهم و دانستی نیست که حاصل شناخت باشد، بلکه حقیقتی است وجودی که در ماهیت خود منشأ تفکر ما خواهد بود.

19- این که ما هنوز فکر نمی کنیم بیش تر به جهت آن است که خود آنچه باید به آن اندیشید از ما رو می گرداند، از مدت ها پیش رو گردانده است. امید است «وجود» با انقلاب اسلامی خود را به ما نشان دهد و در آن صورت انقلاب اسلامی معنای دیگری پیدا می کند و به ما رومی آورد تا به آن بیندیشیم و در آن صورت تفکر به سوی ما برمی گردد.

20- گفتیم آنچه باید به آن اندیشید چندان که بسنده باشد به ما رو نمی کند. اما این واپس گریزی نه چنان است که هیچ باشد بلکه خود این واپس گریزی طبیعی است، به طوری که از جهتی دیگر می تواند از هر امر حاضری با

انسان مواجه و بر انسان وارد شود و این مربوط به بودن انقلاب اسلامی است که با ما به طریقی راز آمیز در گفتگو است.

21- این نکته‌ی مهمی است برای تفکر که بدانیم رویدادِ واپس‌گیزی انقلاب اسلامی می‌تواند در عین حال حاضرترین امر در مقایسه با همه‌ی آن‌چه تا کنون حاضر است، باشد و به نحوی بی‌پایان از واقعیتِ هر آن‌چه واقعی است فراتر رود.

آن‌چه از ما واپس می‌گردد با همین واپس‌گیزی، ما را نیز از پی خود می‌کشد، زیرا ذات ما پیشاپیش مهر و نشان کشش به آن را در خود دارد.

22- تا آن‌جا که انسان در مسیر انقلاب اسلامی است، در تمام عمر به آن‌چه واپس می‌گردد، یعنی انقلاب اسلامی، اشاره می‌کند. وقتی انسان در مسیر انقلاب اسلامی قرار گرفت در مقام چیزی است که به راحتی خود را نشان نمی‌دهد، ولی همواره اندیشه و اندیشیدن او به آن انقلاب اشاره دارد، بنیان او نهفته در چنین اشاره‌ای است. یک انسان انقلابی در راه کشش به سوی انقلاب که همچنان گریزنده است، نشانه می‌گیرد و به سوی آن‌چه خود واپس می‌گردد اشاره می‌کند.

23- ما باید تفکر را بیاموزیم، این می‌طلبد که پیشاپیش مشتاق به آنی باشیم که تفکر را مخاطب خویش می‌سازد. و این آنی است که از جانب خود، خود را برای اندیشیده‌شدن عطا کند. آن‌چه این عطیه را به ما می‌دهد تا به صورتی اصیل به آن بیندیشیم همانی است که ما اندیشه‌انگیزترین‌اش می‌نامیم که در این تاریخ انقلاب اسلامی است و حضرت امام «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» به خوبی به آن اندیشیدند و شهداء نیز پیرو ایشان، فهمیدند در این تاریخ به چه چیز باید بیندیشند.